

مسئولیت جبران خسارت به محیط زیست منطقه اعماق دریاها در حقوق بین الملل عرفی و رویکرد متناقض شعبه حل اختلاف بستر دریاها

جواد صالحی*

چکیده

مقررات کنوانسیون دربرگیرنده اسباب و ابزار لازم برای حفاظت و حمایت از محیط زیست منطقه اعماق دریاهاست. لیکن تعهدات بین المللی مقرر در کنوانسیون برای حفاظت و حمایت از محیط زیست منطقه اعماق دریاها باید به نحوی تفسیر شود که دیگر مقررات قابل اجرای موجود در حقوق بین الملل عرفی را نیز در برگیرد. اگرچه در مقررات کنوانسیون برای تسری تعهدات حقوق بین الملل عرفی بر دولت های عضو کنوانسیون منعی وجود ندارد، در عمل مشاهده شده است که زیرمجموعه های دیوان بین المللی حقوق دریاها تمایلی به تسری تعهدات مصرح در آموزه های حقوق بین الملل عرفی در حوزه مسئولیت جبران خسارت به محیط زیست منطقه اعماق دریاها ندارند. رویکرد شعبه حل اختلاف بستر دریاها در نظریه مشورتی مورد تقاضای مقام دریاها نشان می دهد که مسئولیت دولت عضو کنوانسیون در حفاظت و حمایت از محیط زیست منطقه اعماق دریاها صرفاً محدود به مقررات کنوانسیون و موافقت نامه اجرایی آن است و آموزه های حقوق بین الملل عرفی به طور مستقیم در این حوزه کارایی ندارند. این رویکرد متناقض شعبه حل اختلاف با آموزه های حقوق بین الملل عرفی موجب شده است که دستاوردهای نظریه مشورتی وی نسبت به دولت های غیر عضو کنوانسیون کاربرد نداشته باشد.

کلیدواژگان

جبران خسارت، حقوق بین المللی عرفی، کنوانسیون حقوق دریاها، مسئولیت دولت های عضو، محیط زیست، منطقه اعماق دریاها.

* استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. تلفن: ۰۹۱۲۰۳۴۰۱۷۰

Email: Javadsalehi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۸

مقدمه

کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) (زین پس؛ کنوانسیون) از اسناد جامع مقررات مربوط به دریاها و نواحی مختلف آن است که تاکنون بیش از ۱۶۱ کشور به آن پیوسته‌اند. «منطقه»^۱ در دریا که بعد از فلات‌قاره قرار گرفته، یکی از نواحی دریایی مشمول مقررات این کنوانسیون است. اهمیت منطقه به سبب وجود منابع معدنی و کلوخه‌های چندفلزی دریایی است که مورد توجه کلیه کشورهای قرار گرفته است. لیکن منطقه و منابع آن از میراث مشترک بشریت بوده و مستلزم نگرانی‌های مشترک بشری^۲ است که هیچ کشوری بر هیچ قسمتی از آن حاکمیت ندارد. تمامی حقوق مربوط به منابع منطقه به کل بشریت تعلق دارد. «مقام بین‌المللی بستر دریاها»^۳ (زین پس؛ مقام دریاها) به‌عنوان یکی از ارکان دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، نماینده جامعه بشری در بهره‌برداری از منابع منطقه است. کشورها معادن قابل استخراج از منطقه را فقط می‌توانند مطابق با مقررات کنوانسیون و تحت کنترل مقام دریاها به تملک خویش درآورند. مقام دریاها سازمانی است که از طریق آن کشورهای عضو کنوانسیون فعالیت‌های خود را در مدیریت منابع منطقه، سازماندهی و کنترل می‌کنند.^۴ از این رو مقام دریاها صلاحیت خود را بر منطقه و منابع آن براساس رژیم مقرر در فصل ۱۱ کنوانسیون و توافقنامه اجرایی آن (۱۹۹۴) اعمال می‌کند. یکی از ابعاد اعمال صلاحیت مقام دریاها در کنوانسیون، تقاضای وی برای صدور نظریه مشورتی از شعبه حل اختلاف بستر دریاها (زین پس؛ شعبه یا شعبه حل اختلاف) در خصوص مسائل حقوقی فعالیت دولت‌های عضو در منطقه است، پیش از آنکه این مسئله حقوقی به اختلاف میان مقام دریاها و دولت‌های عضو کنوانسیون منجر شود.^۵ مقام دریاها خود نیز از سه نهاد اصلی، مجمع، شورا و دبیرخانه^۶، دو ارگان ویژه، کمیسیون برنامه‌ریزی اقتصادی^۷ و کمیسیون فنی و حقوقی^۸ و یک شعبه با ترکیب یازده قاضی تشکیل شده است.^۹ شعبه حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به اختلافات ناشی از اکتشاف و استخراج منابع منطقه، اختلاف میان کشور عضو و پیمانکار در تفسیر یا اجرای بخش ۱۱ کنوانسیون،

1. Area

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک. عرباسدی و رنجبریان، ۱۳۹۷: ۳۹۹.

3. International Seabed Authority

۴. ر.ک. ماده ۱۵۷ کنوانسیون.

۵. دیوان بین‌المللی حقوق دریاها با سازوکار دیگری نیز صلاحیت صدور نظریه مشورتی در موضوعات راجع به دریاها و فعالیت در آن را دارد (برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک. صالحی، ۱۳۹۵).

۶. ر.ک. ماده ۱۵۸ کنوانسیون.

7. Finance Committee

8. Legal and Technical Commission

۹. ر.ک. ماده ۱۶۳ کنوانسیون.

صدور نظریه مشورتی به درخواست مجمع یا شورای مقام دریاها در زمینه کلیه مسائل حقوق مربوط به فعالیت‌های کشورها در منطقه را دارد.

از حیث نظری تقاضای صدور نظریه مشورتی براساس ماده ۱۹۱ کنوانسیون امری بدیهی است. لیکن استفاده از این اختیار تا سال ۲۰۱۰ مسبوق به سابقه نیست. شعبه حل اختلاف بستر دریا مکلف است در مورد سؤالات حقوقی مربوط به حدود و چارچوب فعالیت‌های دولت‌های عضو کنوانسیون نظریه مشورتی صادر کند. مقام دریاها برای اولین بار در ۶ می ۲۰۱۰ از شعبه تقاضای صدور نظریه مشورتی کرده است (International Seabed Authority, 2010: para. 1). مقام دریاها طی تقاضایی از شعبه به طرح و درخواست پاسخ به سه پرسش در خصوص تعهدات و مسئولیت حقوقی دولت‌های عضو نسبت به فعالیت‌های شرکت پیمانکار مورد حمایت آنها در منطقه براساس مقررات کنوانسیون پرداخته است. سؤالات طرح شده به منظور صدور نظریه مشورتی در زمینه ۱. نوع تعهدات دولت‌های عضو کنوانسیون در حمایت از فعالیت‌ها در ناحیه براساس مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون و توافقنامه اجرایی آن؛ ۲. میزان مسئولیت دولت عضو کنوانسیون در قصور از تبعیت از مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون و موافقت نامه اجرایی آن توسط موجودیت مورد حمایت براساس مقررات (b)(2) ۱۵۳ کنوانسیون و ۳. منظور از اقدامات لازم و مناسب دولت حامی به موجب مسئولیت مقرر در ماده ۱۳۹ کنوانسیون، پیوست و موافقت نامه اجرایی آن‌اند.

شعبه نیز براساس مقررات کنوانسیون و دیگر مقررات حقوق بین‌الملل که در تعارض با مقررات کنوانسیون نیست (Ndiaye, 2010: 567) و همین‌طور آیین‌نامه‌های مصوب مقام دریاها^۱، این درخواست را پذیرفته و نظریه مشورتی خود را با عنوان «مسئولیت‌ها و تعهدات دولت‌های حامی از اشخاص حقیقی و حقوقی برای فعالیت در ناحیه» (زین پس؛ نظریه مشورتی) صادر کرده است (Seabed Disputes Chamber, 2011: para.1). بررسی و تحلیل پرسش دوم و پاسخ به آن در خصوص «میزان مسئولیت دولت عضو برای قصور از تبعیت از مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون و موافقت نامه اجرایی آن توسط موجودیت مورد حمایت براساس مقررات (b)(2) ۱۵۳ کنوانسیون» در این نظریه مشورتی موضوع این نوشتار است. مقام دریاها در این سؤال، در حالی بر مقررات کنوانسیون و موافقت نامه اجرایی آن تأکید می‌کند که دولت‌های عضو کنوانسیون به موجب مقررات حقوق بین‌الملل عرفی نیز دارای مسئولیت‌هایی موازی یا مقدم‌اند که می‌تواند به روشن شدن وضعیت مسئولیت آنها در زمینه حفاظت و حمایت از محیط زیست منطقه اعماق دریاها در کنوانسیون کمک کند. ماده ۳۰۴ کنوانسیون مستند این ادعاست که محتویات آن بر ضرورت به کارگیری مقررات موجود در آموزه‌های حقوق

1. Regulations on Prospecting and Exploration for Polymetallic Sulphides in the Area, 2010 and also; Regulations on Prospecting and Exploration for Polymetallic Nodules in the Area, 2000.

بین‌الملل عرفی برای تعیین میزان مسئولیت در جبران خسارت وارده بر محیط زیست منطقه از سوی دولت‌های عضو کنوانسیون تأکید می‌کند. مقررات این ماده حاکی از بهره‌گیری از حقوق بین‌الملل عرفی در توسعه مسئولیت جبران خسارت به‌عنوان یکی از اصول کلی حقوق بین‌الملل است (Fayette, 2000: 355). از این حیث دولت‌های عضو کنوانسیون در حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی «منطقه» علاوه بر تعهدات مقرر در کنوانسیون، در معاهدات و حقوق بین‌الملل عرفی نیز دارای تعهدات جامع و مفصلی بر جبران خسارت وارده بر محیط زیست منطقه هستند (Boyle, 2007: 369). تا جایی که حتی آثار این مسئولیت‌ها نسبت به دولت‌های غیرعضو در کنوانسیون نیز کاربرد دارند، درحالی‌که آنها به‌دلیل عدم عضویت در این کنوانسیون خود را متعهد به رعایت مقررات کنوانسیون نمی‌دانند. بنابر این تفسیر آنها نیز متعهد به رعایت مسئولیت بین‌المللی خود در آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی‌اند.

از این منظر این نوشتار درصدد است که ثابت کند دولت‌ها در حفاظت از منابع منطقه تعهداتی متکی بر حقوق بین‌الملل عرفی دارند که حتی مقام دریاها در طرح سؤال «میزان مسئولیت دولت عضو برای قصور از تبعیت از مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون و موافقت‌نامه اجرایی آن» به وجود این تعهدات اذعان کرده است، لیکن قضات شعبه حل اختلاف از شناسایی آنها طفره رفته‌اند. از این‌رو در مباحث آتی تلاش شده است، ابتدا مسئولیت دولت‌ها بر حفاظت از محیط زیست منطقه اعماق دریاها و سپس رویکرد شعبه در اتکای به مسئولیت دولت‌ها در کنوانسیون بررسی و تحلیل شود تا نقیصه‌های احتمالی آن مشخص و به‌جامعه حقوقی علاقه‌مند به مباحث محیط زیست منطقه اعماق دریاها ارائه شوند.

مسئولیت دولت‌ها بر حفاظت از محیط زیست منطقه اعماق دریاها

درحالی‌که سؤال از شعبه صرفاً محدود به مسئولیت‌های حقوقی دولت‌های عضو مصرح در کنوانسیون و نه مسئولیت‌های ناشی از دیگر منابع حقوق بین‌الملل عرفی است، لیکن شناسایی دقیق مسئولیت دولت‌های عضو کنوانسیون در فعالیت در منطقه مستلزم نگاهی همه‌جانبه به دیگر مسئولیت‌های دولت‌ها در قوانین بین‌المللی عرفی است. در این شرایط شعبه ناگزیر است که برای تفسیر مقررات کنوانسیون از دیگر منابع حقوق بین‌المللی نیز استفاده کند. مسئولیت دولت‌های عضو کنوانسیون برای اطمینان از انجام فعالیت‌ها در چارچوب مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون باید به‌نحوی تفسیر شود که دربرگیرنده تعهدات بین‌المللی عرفی دیگر آنها در خصوص حمایت و حفاظت محیط زیست دریاها باشد. برای تحقق این موضوع نیاز است که دولت‌های عضو کنوانسیون اقداماتی را انجام دهند که ناشی از تعهدات بین‌المللی عرفی آنهاست. کما اینکه مقررات کنوانسیون در زمینه تعهدات و مسئولیت‌های جبران خسارت بدون

خداشه به اعمال قوانین موجود (Jaeckela, Gjerdeb & Ardronc, 2017: 152) و توسعه قوانین جدید در حقوق بین الملل عرفی به کار می‌رود.

در شرایطی که کلیه دولت‌ها اعم از عضو و غیرعضو کنوانسیون در معاهدات و حقوق بین الملل عرفی وظیفه دارند که فعالیت‌های تحت کنترل یا صلاحیت آنها منجر به صدمه به محیط زیست دیگر دولت‌ها یا مناطق خارج از قلمرو ملی آنها نشود، به نظر می‌رسد که این تعهد به محیط زیست «منطقه» نیز قابل سرایت است، چراکه «منطقه» از مناطق خارج از صلاحیت دولت‌هاست و از این حیث به عنوان یک منطقه خارج از قلمرو ملی کلیه دولت‌ها شناخته می‌شود. در این شرایط وظیفه جلوگیری از صدمه به محیط زیست منطقه در رویه دولت‌هایی مشهود است که آن را به عنوان قانون و رویه بین المللی عرفی خود پذیرفته‌اند (ICJ, 2010: paras. 199, 202; ICJ, 1996: paras. 241, 242)، صرف نظر از اینکه عضو کنوانسیون باشند یا نباشند. تعهد مقرر برای دولت‌ها در ماده ۳ کنوانسیون تنوع زیستی از جمله این تعهدات است که به محض تصویب لازم الاجراست (ICJ, 1969: paras. 41, 45). تعهد به جلوگیری از صدمه به محیط زیست جهانی شامل تعهد دولت به حمایت از محیط زیست در صلاحیت دیگر دولت‌ها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی و تعقیب فعالیت‌های غیرمجاز افراد حقیقی یا حقوقی تحت صلاحیت یا کنترل خود است (ICJ, 1996: para. 22; ICJ, 1949: para. 226). بدیهی است که دولت‌ها برای قصور از این مسئولیت‌ها متعهد به پرداخت غرامت هستند. به همین نحو براساس اصول کلی حقوق بین الملل، مسئولیت و تعهد دولت‌ها برای فعالیت‌های آلوده کننده هوا توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی در داخل کشور، امری پذیرفته شده است (Okowa, 2012: 77-83)، تا حدی که هر دولت باید اقدامات مقتضی برای جلوگیری از گسترده شدن آثار آن به مناطق خارج از صلاحیت ملی خود را نیز صورت دهد.

۱. مسئولیت دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست اعماق دریاها در حقوق

بین الملل عرفی

منابع اصلی تعهدات و قوانین بین المللی ریشه در معاهدات و حقوق بین الملل عرفی دارند. مقررات این معاهدات و حقوق بین الملل عرفی را که نسبت به فعالیت در منطقه نیز قابل تعمیم هستند، می‌توان شامل اصل پیشگیری، اصل احتیاط^۱، تعهد به همکاری، تعهد به ارزیابی آثار محیط زیستی و تعهد به نظارت دانست. اصل پیشگیری ریشه در اقدام مقتضی^۲ دارد که هر دولت لازم است در سرزمین خود آن را رعایت کند (ICJ, 2010: para. 101). این اصل مبین

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: کدخدایی و سالاری، ۱۳۹۷: ۳۴.

2. Due Diligence.

تعهد هر دولت برای جلوگیری استفاده از سرزمین متبوع خود برای نقض حقوق دیگر دولت‌ها یا فضاها خارج از صلاحیت دولت‌هاست. هر دولتی موظف است از کلیه ابزارهای در اختیار برای جلوگیری از فعالیت‌های ارتكابی در سرزمین یا حوزه تحت صلاحیت استفاده کند که ممکن است به ایراد خسارت چشمگیر به محیط زیست دولت دیگر منجر شود. کما اینکه نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای نیز بر این تعهد تأکید دارد و این تعهد را بخشی از مجموعه مقررات حقوق بین‌المللی در زمینه محیط زیست می‌داند. علاوه بر این دولت‌ها مسئولیت دارند که فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل آنها به خسارت به محیط زیست دیگر دولت‌ها یا حوزه‌های خارج از صلاحیت ملی آنها منجر نشود.^۱ از این منظر کاربرد این اصل به نواحی خارج از صلاحیت ملی، به‌وضوح به اعمال آن بر دولت‌های عضو کنوانسیون مشغول به فعالیت در منطقه نیز اشاره دارد.

شرکت‌های پیمانکاری متقاضی فعالیت در منطقه برای استخراج منابع معدنی و کلوخه‌های چندفلزی دریایی نیازمند اعلام حمایت یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون هستند تا مقام دریاها به پشتوانه قبول مسئولیت ایراد خسارات ناشی از فعالیت در منطقه اعماق دریاها توسط دولت عضو کنوانسیون مجوز فعالیت در این منطقه را برای شرکت پیمانکاری صادر کند. به این دولت‌ها که مسئولیت فعالیت شرکت پیمانکاری و ضمانت جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های وی را در منطقه می‌پذیرند، دولت حامی گفته می‌شود. از این منظر اقدام مقتضی تضمین قانونمندی پیمانکار مورد حمایت دولت حامی تحت شرایط مندرج در قرارداد و مقررات کنوانسیون جلوه‌ای از اقدام مقتضی است که اولین تعهد دولت حامی است و دولت حامی باید در این زمینه حداکثر تلاش خود را به‌عمل آورد. دیوان‌های بین‌المللی در خصوص اقدام مقتضی تأکید کرده‌اند که رفتار دولت باید منطبق با استانداردهای بین‌المللی باشد (Okowa, 2012: 82). این استانداردها دربرگیرنده ابعاد متفاوتی از دوره تاریخی، شرایط و وضعیت خاص مقامات دولتی و خصوصیات فردی آنهاست. با وجود این لازم است که دولت‌ها حداقلی از معیارهای قانونی و اجرایی را برای تضمین اجرای تعهدات بین‌المللی در شرایط عادی مدنظر قرار دهند. دولت‌ها باید از این معیارها با حفظ درجه‌ای از اقدام مقتضی متناسب با شرایط استفاده کنند. عواملی مانند مؤثر بودن کنترل سرزمین، ظرفیت و امکانات در اختیار دولت و ماهیت فعالیت‌های خاص ممکن است تنوع اقدام مقتضی را توجیه کند (Birnie, Boyle & Redgwell, 2009: 112). با وجود این لازم است که دولت‌ها قبل از اقدام مقتضی از منشأ و خصوصیات خطرهای احتمالی فعالیت آتی اطلاعاتی کسب کنند، تا اینکه دلایل محکمی بر احتمال به خطر افتادن محیط زیست در اختیار داشته باشند. در عین حال، آنها باید در زمان تصمیم‌گیری

۱. ر.ک: ماده ۳ کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲).

در مورد صحت و سقم دلایل علمی با احتیاط رفتار کنند. در خصوص نگرانی‌های ناشی از فعالیت‌های دارای خطرهای احتمالی شایان توجه جبران‌ناپذیر به محیط زیست اصل احتیاط حکم می‌کند که این فعالیت‌ها برای جلوگیری از خسارات فرامرزی تحت کنترل و در صورت لزوم مشمول ممنوعیت‌های قانونی قرار گیرند. رویکرد احتیاطی دولت حامی سبب می‌شود که حتی در فرض فقدان دلایل قطعی علمی یا تأییدنشده بر احتمال بروز خسارات محیط زیستی از صدور مجوز برای فعالیت‌های زمینه‌ساز این خطر جلوگیری شود. از این حیث دولت‌های حامی نسبت به خطرهای احتمالی شناخته‌نشده آتی باید هوشیار باشند (Okowa, 2012: 92)، مگر اینکه دلایل محکمی بر بی‌خطری این فعالیت‌ها وجود داشته باشد تا زمینه توسل به اصل احتیاط را از بین ببرد.

در این شرایط حقوق بین‌الملل عرفی با استناد به اصل احتیاط از دولت‌های حامی می‌خواهد که به دیگر دولت‌ها یا به فضاهای عمومی خسارت وارد نکنند. این قاعده مبتنی بر تعهد اقدام مقتضی بر پیشگیری و کنترل است. تعهد بر اقدام مقتضی بر پیشگیری و کنترل زمانی ایجاد می‌شود که قابلیت پیش‌بینی ایراد خسارت وجود داشته باشد، اگرچه قابلیت پیش‌بینی خود به عواملی از جمله زمان و دانش مرتبط با ریسک‌های احتمالی فعالیت مدنظر وابسته است. اگر دولتی به‌طور منطقی از خطرهای احتمالی فعالیت دارای خطر آگاه نشده باشد، نمی‌توان از او توقع تعهد به قانونگذاری در خصوص این فعالیت‌ها داشت. خطرهای احتمالی فعالیت مبتنی بر احتمالات و میزان خسارت، دلیل موجد خسارت، تأثیر فعالیت‌ها و تغییرات آن در طول زمان است. از این رو نمی‌توان با اطمینان در مورد منطقی بودن آگاهی دولت متبوع یا ایجاد تعهد به اقدام مقتضی برای وی قضاوت کرد. برخی دولت‌ها در این شرایط اعلام می‌کنند که نیازی ندارند برای کنترل خطرهای احتمالی فرامرزی یا جهانی اقدام کنند، مگر اینکه دلیل علمی بر احتمال خسارت وجود داشته باشد.

تعهد دیگر دولت حامی نسبت به فعالیت‌های شرکت‌های پیمانکاری در منطقه اعماق دریاها انجام تعهدات مستقیم است. این اقدامات مستقل از تعهداتی هستند که باید از سوی پیمانکار مورد حمایت، مدنظر قرار گیرند (Seabed Disputes Chamber, 2011: para. 121). شعبه مصادیق تعهدات مستقیم را در همکاری با مقام براساس مقررات ماده (۴) ۱۵۳ کنوانسیون، حفاظت و حمایت از محیط زیست دریایی براساس مقررات تصویب‌شده از سوی مقام از جمله توجه به اصل احتیاط، اتخاذ بهترین رویه‌های محیط زیستی^۱، تعهد به نظارت و تعهد به تأمین منابع جبران خسارت شناسایی می‌کند (Seabed Disputes Chamber, 2011, para. 139). اهمیت تعهد به همکاری دولت‌های عضو کنوانسیون با مقام دریاها تا حدی است که دیوان

۱. تعهد دیگر دولت‌ها، به‌کارگیری رویه‌های زیست‌محیطی برتر است. این تعهد از نوع تعهد اقدام مقتضی عام است.

بین‌المللی حقوق دریاها (International Tribunal for the Law of the Sea, 2001, para. 82) آن را اصلی اساسی در پیشگیری از آلودگی در محیط زیست دریاها براساس فصل ۱۲ کنوانسیون و آموزه‌های حقوق بین‌الملل عمومی شناسایی می‌کند. بخشی از این آموزه‌ها در اسناد بین‌المللی ولو به صورت تکراری نهفته‌اند. محتویات اصل ۱۵ اعلامیه ریو در کنوانسیون تنوع زیستی بازتکرار شده است. بسیاری از دولت‌ها قائل به قانونگذاری داخلی در این زمینه‌اند، لیکن تصمیم‌گیری دولت‌ها بر استناد یا عدم استناد به اصل احتیاط مبتنی بر توانایی‌های اقتصادی و اولویت‌های اجتماعی هزینه فایده‌های اقدام پیش‌گیرنده و ماهیت و مقیاس خطرهای محیط زیستی است. با وجود این، توجه به اصل احتیاط در زمان تصمیم‌گیری قابلیت پیش‌بینی خطرهای محیط زیستی برای اقدام بسیار مؤثر است.

کنوانسیون ارزیابی آثار محیط زیستی در وضعیت فرامرزی^۱، یکی از ابعاد همکاری دولت‌ها با یکدیگر را در حفاظت از محیط زیست تشریح کرده است. در کنوانسیون ارزیابی آثار محیط زیستی «فرایندهای ملی برای ارزیابی آثار احتمالی فعالیت‌های پیشنهادی بر محیط زیست» تعریف شده است. تعهد بر ارزیابی آثار محیط زیستی^۲ فعالیت در منطقه که از اصول پذیرفته‌شده دولت‌ها، الزامی ناشی از حقوق بین‌الملل عمومی است که خطرهای ناشی از فعالیت‌های پیشنهادی را مدنظر قرار می‌دهد (ICJ, 2010: para. 204). البته این تعهد صرفاً بر صدور مجوز فعالیت‌های بی‌خطر برای محیط زیست محدود نیست، بلکه پس از صدور مجوز فعالیت به موجب تعهد دیگری با عنوان تعهد بر نظارت، از زمانی که عملیات شروع می‌شود و در صورت نیاز در سرتاسر زمان اجرای پروژه باید نظارت مستمر بر تأثیرات احتمالی پروژه بر محیط زیست صورت گیرد (ICJ, 2010: para. 205).

۲. الزام دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست منطقه اعماق دریاها در اسناد

بین‌المللی

در حقوق بین‌الملل عرفی به موجب «اصل همسایگی خوب»^۳ یک دولت نمی‌تواند بدون توجه به حقوق دیگر دولت‌ها یا حمایت از محیط زیست هر اقدامی را انجام دهد. این اصل برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم^۴ تصریح شده است. بر این اساس، دولت‌ها بر طبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌المللی، دارای حقوق حاکمه مطابق سیاست‌های زیست‌محیطی خود برای بهره‌برداری از منابع هستند، به نحوی که فعالیت‌های انجام‌گرفته

1. Convention on Environmental Impact Assessment in Transboundary Context, 1991.

2. Environmental Impact Assessment.

3. Good Neighborliness

4. Declaration of the UN Conference on the Human Environment, 1972.

در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب ورود زیان به محیط زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی آنها نشود. محتوای این اصل یکبار دیگر در ماده ۲ قطعنامه آلودگی رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و حقوق بین‌الملل^۱ بدین نحو تکرار شد: «کشورها مکلف‌اند در اعمال حقوق حاکمه در بهره‌برداری از منابع خویش بنابر سیاست‌های زیست‌محیطی خود و بدون لطمه زدن به تعهدات قراردادی خویش ترتیبی اتخاذ کنند که فعالیت‌های انجام‌گرفته در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب آلودگی آبراه‌ها و دریاچه‌های بین‌المللی و رای مرزهای آنها نشود». تأکید بر این اصول یکبار دیگر در قطعنامه مسئولیت در حقوق بین‌الملل در قبال خسارات وارده به محیط زیست^۲ تذکر داده شد که «اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه ریو در مورد مسئولیت دولت‌ها در قبال حفاظت از اینکه فعالیت انجام‌گرفته تحت صلاحیت یا تحت نظارتشان سبب ورود خساراتی به محیط زیست در دول دیگر یا در مناطقی واقع در ورای صلاحیت ملی آنها نگردد». اهمیت این اصول تا آنجا ادامه یافت که در ماده ۳ طرح پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال زیانبار منع‌نشده در حقوق بین‌الملل^۳ نیز یکبار دیگر تأکید شد که کشورها تمام تدابیر مناسب برای پیشگیری از خسارات فرامرزی قابل توجه را برای به حداقل رسانیدن خطر اتخاذ کنند. این رویکرد در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک^۴ تشدید شد تا جبران خسارات وارده حتی بدون عنصر نقض تعهد مسبب امکان‌پذیر باشد.^۵

در این شرایط شعبه حل اختلاف با استناد به ماده (۲) ۱۳۹ کنوانسیون و ماده (۴) ۴ پیوست آن در زمینه مسئولیت دولت‌های عضو اذعان می‌کند که مقررات کنوانسیون بر اجرای قوانین حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت دولت هیچ خدشه‌ای وارد نمی‌کند. کنوانسیون‌های بین‌المللی و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی گویای مقرراتی در زمینه مسئولیت دولت‌ها برای ارتکاب برخی اقدامات موجد خسارت به دریاها یا صدمه به منافع دیگر دولت‌هاست (Lowe & Talmon, 2009: 123). از این حیث برخی از این مقررات در مورد فعالیت در منطقه نیز کاربرد دارند. لیکن درحالی که مقررات حقوق بین‌الملل عرفی برای ایجاد مسئولیت دولت دارای تعهد بین‌المللی، به وقوع خسارت واقعی نیاز ندارند، شعبه تأکید می‌کند برای به اجرا گذاشتن مقررات کنوانسیون علیه دولت خاطی لازم است که خسارت در منطقه ایجاد شده باشد.

1. Pollution of Rivers and Lakes and International Law, 1979.

2. Responsibility and Liability under International Law for Environmental Damage, 1997.

3. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001.

4. Draft Principles on the Allocation of Loss in the Case of Transboundary Harm Arising out of Hazardous Activities, 2006.

۵. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: شاه‌حسینی و مشهدی، ۱۳۹۶: ۱۴۱.

بنابراین از دیدگاه قضات شعبه، دولت عضو کنوانسیون در دو حالت هیچ مسئولیتی ندارد: ۱. اگر دولت از انجام تعهداتش خودداری کند، درحالی که هیچ خسارتی ایجاد نشود؛ ۲. در جایی که خسارت ایجاد شده است، ولی دولت تعهداتش را انجام داده باشد. شعبه قائل به این نظریه است که باید میان ایجاد خسارت ناشی از قصور دولت در رعایت «مسئولیت تضمین» و ایجاد خسارت ناشی از نقض تعهدات مستقیم فرق گذاشت. در ایجاد خسارت ناشی از قصور دولت در رعایت «مسئولیت تضمین»، کل مقررات ماده (۲) ۱۳۹ کنوانسیون حاکمیت دارد که دربرگیرنده مسئولیت دولت برای قصور از مسئولیت تضمین یا اقدامات لازم و مناسب در زمینه خسارت ایجادشده از سوی پیمانکار است، درحالی که مسئولیت نقض تعهدات مستقیم دولت حامی موضوع مقررات ابتدای ماده (۲) ۱۳۹ کنوانسیون است که مربوط به قصور از انجام مسئولیت‌هاست (Seabed Disputes Chamber, 2011: para. 176). لیکن این رویکرد قضات شعبه از دو نظر نگران‌کننده است؛ اولاً اینکه اگر خسارت از سوی دولت غیرعضو رخ دهد، بدون اینکه بتوان به مقررات کنوانسیون به دلیل عدم عضویت وی استناد کرد، جبران خسارت چه وضعیتی پیدا می‌کند؟ ثانیاً اینکه اگر دولت عضو کنوانسیون تعهدات خود را براساس مقررات کنوانسیون انجام داده باشد، برای جبران خسارت واردشده به محیط زیست منطقه اعماق دریاها به چه کسی باید مراجعه کرد.

رویکرد شعبه در اتکای به مسئولیت دولت‌ها در کنوانسیون

شعبه حل اختلاف با اشاره به ارتباط میان مقررات حقوق بین‌الملل عرفی و کنوانسیون، تأکید می‌کند که در شناسایی قصور دولت عضو و جبران خسارات ایجادشده در منطقه از سوی وی، مقررات ماده ۱۳۹ کنوانسیون نقش اصلی را ایفا می‌کند (Seabed Disputes Chamber, 2011: para. 101). از این رو موقعیت شعبه در تفسیر مقررات کنوانسیون در زمینه مسئولیت‌های دولت حامی واجد اهمیت است تا اینکه حل ابهامات ناشی از این تفاوت‌ها در مقررات به‌منظور استقرار مبنایی برای تشریح و توسعه رژیم معدن‌کاوی در بستر دریا میسر شود. درحالی که کنوانسیون هیچ تصریحی بر ماهیت خسارت ندارد، قضات شعبه یادآوری می‌کنند که این خسارت ممکن است علیه «میراث مشترک بشریت» (منطقه و منابع آن) یا محیط زیست منطقه باشد. درحالی که مدعی این خسارات مشخص نیست، قضات شعبه توصیه می‌کنند که مقام دریاها به نمایندگی از بشریت مدعی خسارات ایجادشده بر محیط زیست منطقه اعماق دریاها باشد. قضات شعبه بر این باورند که با استناد به ماده (۲) ۱۳۷ کنوانسیون می‌توان مقام دریاها را به نمایندگی از بشریت یا هر یک از دولت‌های عضو را بنا به الزام ناشی از تعهدات آنها در زمینه حفاظت از محیط زیست منطقه مسئول طرح دعوی جبران خسارت شناخت (Seabed

موارد دارای ماهیت عام‌الشمول باشد، حتی می‌توان تمام دولت‌ها اعم از غیرعضو در کنوانسیون یا غیرزیان‌دیده را نیز در ردیف مدعی خسارات وارده به زیست‌محیط منطقه قرار داد. این رویکرد ناشی از تحولات تدریجی پیکره واحد جامعه بین‌الملل در برخورداری از منافع و حق مطالبه رعایت الزامات آن است.^۱

قضات شعبه با اتکا به مقررات ماده ۱۳۹ کنوانسیون وجود رابطه علیت میان قصور دولت از انجام تعهدات و خسارت موجد مسئولیت دولت را ضروری می‌شناسند. این رویکرد بدان معناست که جبران خسارات وارده به محیط زیست مستلزم اثبات نقض وظیفه دولت دخیل در فعالیت زیست‌محیطی است.^۲ در حالی که هیچ مانعی برای شعبه در اتکای به مقررات حقوق بین‌الملل عرفی برای خسارات احتمالی وارده به محیط زیست منطقه وجود ندارد. ولی قضات شعبه ترجیح می‌دهند که مسئولیت خسارات ایجادشده را زمانی متوجه دولت عضو کنوانسیون بدانند که آن دولت از تعهدات خود قصور کرده باشد و به موجب آن قصور خسارت ایجاد شده باشد. به بیان دیگر، دولت عضو در دو حالت هیچ مسئولیتی ندارد؛ اول اینکه، اگر دولت عضو کنوانسیون از انجام تعهدات خود قصور کرده باشد، ولی در اثر این قصور خسارتی ایجاد نشده باشد؛ دوم اینکه، دولت عضو تعهدات خود را انجام داده باشد، ولی باز هم خساراتی به محیط زیست منطقه اعماق دریاها وارد شده باشد. در این مرحله قضات شعبه برای پاسخ به خلأ جبران خسارت در وضعیت انجام تعهدات دولت عضو که مسئولیت آن بر عهده دولت عضو نیست، تصریح می‌کنند که با عدم پیشرفت کمیسیون حقوق بین‌الملل در تنظیم مقررات در زمینه مسئولیت دولت عضو کنوانسیون برای خساراتی که ناشی از اعمال غیرقانونی وی نیستند، لازم است حداقل در مورد حقوق دریاها صندوق جبران خسارات به موجب مقررات ماده (۳) ۲۳۵ کنوانسیون ایجاد شود (Seabed Disputes Chamber, 2011: para. 20) تا پاسخگوی خسارات ایجادشده در شرایط انجام تعهدات دولت عضو کنوانسیون باشد و خسارات ایجادشده بدون پاسخ باقی نمانند.

قضات شعبه در توجیه این رویکرد خود اشاره می‌کنند که تعهدات دولت عضو کنوانسیون نسبت به حفاظت و حمایت از محیط زیست منطقه دارای ماهیت اقدام مقتضی است و به این دلیل تابع مقررات مسئولیت مطلق مقرر در آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی نیست. اگر دولت عضو کنوانسیون کلیه اقدامات لازم و مناسب را برای قانون‌پذیری پیمانکار تحت حمایت خود برای فعالیت در منطقه انجام داده باشد، در تأمین خسارات ناشی از فعالیت‌های وی هیچ مسئولیتی ندارد. در عین حال تبعیت دولت از تعهدات دارای ماهیت اقدام مقتضی الزاماً به

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: محبی و بذار، ۱۳۹۷: ۲۰۱.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: رضائی‌قوام‌آبادی، محمدی و حسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۰.

معنای مستثنا شدن از مسئولیت نیست، چراکه درون‌مایهٔ تعهد به اقدام مقتضی از سوی دولت حامی بر اطمینان از اجرایی بودن تعهدات پیمانکار مورد حمایت وی است (Seabed Disputes Chamber, 2011: para. 239). در ارتباط میان اقدام مقتضی و الزامات مستثنا شدن از مسئولیت، قضاات شعبه خاطر نشان می‌سازند مفهوم «اقدامات لازم و مناسب» اگرچه مبین دو مفهوم مجزا، ولی دارای کارکرد به هم مرتبط است، چراکه از یک طرف موجب اطمینان از قانون پذیری پیمانکار و از طرف دیگر مستثنا شدن دولت از مسئولیت جبران خسارت می‌شود. لیکن این رویکرد قانع کننده نیست. بنابراین موضع‌گیری قضاات شعبه مشخص نیست که چرا انجام اقدام مقتضی باید نافی مسئولیت دولت حامی در فرض ایجاد خسارت از سوی پیمانکار مورد حمایت وی باشد.

با این همه سؤال مقام دریاها برای صدور نظریهٔ مشورتی از سوی شعبه در خصوص میزان مسئولیت دولت عضو برای قصور از تبعیت از مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون و موافقت‌نامهٔ اجرایی آن توسط موجودیت مورد حمایت براساس مقررات (b)(۲) ۱۵۳ کنوانسیون است که شعبه به آن پاسخ روشن و جامع می‌دهد. شعبه برای پاسخ به این پرسش با تحلیل مقررات مواد (۲) ۱۳۹، ۲۳۵، ۳۰۴ کنوانسیون و مواد ۲۲ و (۴) ۴ پیوست آن نتیجه می‌گیرد که دولت عضو کنوانسیون با قصور از تعهدات مقرر در این مواد بی‌شک دارای مسئولیت است (Seabed Disputes Chamber, 2011: para. 172). قضاات شعبه با تشریح مصادیق قصور از انجام تعهدات دولت عضو استدلال می‌کنند که نقض اقدام مقتضی و تعهدات مستقیم منجر به ایراد خسارت در منطقه، از عناصر تشکیل دهندهٔ قصور از اعمال مسئولیت‌هاست. قضاات شعبه تأکید می‌کنند که تحقق عینی خسارات از الزامات ایجاد مسئولیت است و این وضعیت از قوانین مرتبط با مسئولیت دولت مستثناست که در ابتدای ماده (۲) ۱۳۹ کنوانسیون به آن تصریح شده است، چراکه در این ماده قید «بدون خدشه به مقررات حقوق بین‌الملل» حاکی از تفکیک مقررات ماده ۱۳۹ کنوانسیون از مقررات حقوق بین‌الملل عرفی است.

از این منظر اگرچه مسئولیت دولت عضو ناشی از قصور وی در اجرای تعهدات ناشی از مقررات کنوانسیون و ملزومات آن است، قصور دولت عضو کنوانسیون از اجرای تعهدات به تنهایی منجر به مسئولیت دولت عضو نیست. شرایط موجد مسئولیت دولت عضو شامل ۱. قصور از تعهدات به موجب کنوانسیون، ۲. ایراد خسارت و ۳. وجود رابطهٔ علیت میان قصور دولت عضو و ایراد خسارت است. فراتر اینکه با تحقق این شرایط مسئولیت دولت عضو و پیمانکار مورد حمایت وی به موازات یکدیگر است و اگر این خسارت از سوی پیمانکار پرداخت شود، دولت عضو دیگر هیچ مسئولیتی ندارد (Seabed Disputes Chamber, 2011: para. 242). این خسارات ممکن است دولت‌های ساحلی، موجودیت‌های معدن‌کاو در بستر دریا و دیگر استفاده‌کنندگان از دریا و مقام دریاها را هدف قرار دهد. مقام دریاها به نمایندگی از طرف

بشریت و به موجب تفسیر شعبه از ماده (۲) ۱۳۷ کنوانسیون می‌تواند برای جبران خسارت طرف دعوای دولت متخلف قرار گیرد، در عین حال که کلیه دولت‌های دیگر عضو نیز می‌توانند بنا به قاعده الزام‌آور «تعهد بر حفظ محیط زیست» مدعی ایراد خسارت باشند (Orakhelashvili, 2009: 65).

انتساب خسارت به دولت عضو متخلف مستلزم وجود رابطه علیت میان قصور او از اعمال تعهداتش و ایراد خسارت در منطقه است (Seabed Disputes Chamber, 2011: para. 181). در چنین شرایطی قضات شعبه فرض وجود رابطه علیت به محض ایراد خسارت را رد می‌کنند و اثبات آن را ضروری می‌دانند. از این جهت صرف ایراد خسارت مؤید مسئولیت دولت عضو نیست و دولت عضو متخلف می‌تواند با اثبات انجام تعهداتش از جبران خسارت مستثنا شود. قضات شعبه با استناد به ماده (۲) ۱۳۹ کنوانسیون ادعان می‌کنند که اگر پیمانکار مورد حمایت، مسئولیت‌های ناشی از کنوانسیون، شروط قرارداد و دیگر مقررات را نقض کند، ایراد خسارت متوجه دولت حامی وی نیست، بلکه جبران خسارت مستقیماً بر عهده شرکت پیمانکار است. با این حال اگر نقض تعهدات پیمانکار همزمان با نقض تعهدات دولت حامی به ایراد خسارت منجر شود، هر دو به یک اندازه مسئولیت دارند. از این رو هر یک باید سهم خود را در جبران خسارت وارده بپردازند (Plakokefalos, 2012: 141).

در خصوص میزان مسئولیت دولت حامی در فرضی که دولت بر تعهداتش پایبند است، قضات شعبه تأکید می‌کنند که امکان سنجش میزان مسئولیت دولت حامی وجود ندارد. بنابراین برای اندازه‌گیری میزان مسئولیت صرفاً باید به قواعد کلی استناد کرد، از جمله اینکه به موجب مقررات ماده (۲) ۱۳۹ کنوانسیون اگر پیمانکار از تعهدات خود سرپیچی کند، مسئولیت آن متوجه دولت حامی نیست (Seabed Disputes Chamber, 2011: para. 209). البته این رویکرد ممکن است چالش‌هایی به همراه داشته باشد. اگر ایراد خسارت با نقض شدید قوانین توأم نباشد یا اینکه مسئولیت آن متوجه پیمانکار باشد، درحالی‌که پیمانکار تحت صلاحیت قضایی دولت حامی است، چگونه می‌توان به جبران خسارت قربانیان احتمالی آن اطمینان داشت. این چالش اگرچه در دیگر کنوانسیون‌ها مانند کنوانسیون مسئولیت مدنی برای آلودگی نفتی^۱ که مقید به مسئولیت مطلق مالک کشتی است و کنوانسیون وین در زمینه مسئولیت مدنی برای خسارت هسته‌ای^۲ که رویکردی مشابه دارد، برطرف شده است.

1. Resolution LEG1 on Limitation Amounts in the Protocol of 1992 to Amend the International Convention on Civil Liability for oil pollution damage.

2. Convention on Supplementary Compensation for Nuclear Damage, 1997.

نتیجه گیری

کنوانسیون از اسناد جامع مقررات مربوط به دریاهاست. مقام دریاها در درخواست خود از شعبه برای صدور نظریه مشورتی در حالی بر مقررات کنوانسیون و موافقتنامه اجرایی آن تأکید می‌کند که دولت‌های عضو کنوانسیون به موجب مقررات حقوق بین‌الملل عرفی نیز دارای مسئولیت‌هایی هستند که می‌تواند به روشن شدن وضعیت مسئولیت آنها در کنوانسیون کمک کند. از این منظر شناسایی دقیق مسئولیت دولت‌های عضو کنوانسیون در فعالیت در منطقه مستلزم نگاهی همه‌جانبه به مسئولیت‌های دیگر دولت در قوانین بین‌المللی عرفی است. لیکن در این شرایط شعبه با استناد به مقررات کنوانسیون و پیوست آن در زمینه مسئولیت دولت‌های عضو اذعان می‌کند که مقررات کنوانسیون بر اجرای قوانین حقوق بین‌الملل در رابطه با مسئولیت دولت هیچ خدشه‌ای وارد نمی‌کند. کنوانسیون‌های بین‌المللی و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی گویای مقرراتی در زمینه مسئولیت دولت‌ها برای ارتکاب برخی اقدامات موجد خسارت به دریاها یا صدمه به منافع دیگر دولت‌هاست که برخی از این مقررات در زمینه فعالیت در منطقه نیز کاربرد دارند.

در حالی که مقررات حقوق بین‌الملل عرفی برای ایجاد مسئولیت دولت دارای تعهد بین‌المللی، نیاز به وقوع خسارت واقعی ندارد، بلکه صرف تصور از تعهدات را مشمول تنبیه می‌داند، قضات شعبه تأکید می‌کنند برای به اجرا گذاشتن مقررات کنوانسیون علیه دولت خاطی لازم است که خسارت در منطقه ایجاد شده باشد. از این رو مسئولیت دولت عضو از نوع مسئولیت برای ارتکاب اعمال متخلفانه بین‌المللی و نه مسئولیت مطلق است. در عین حال ضرورت وجود رابطه علیت مشخص می‌سازد که اگر رابطه علیتی میان تصور دولت عضو از انجام تعهدات و خسارت ایجاد شده وجود نداشته باشد، نمی‌توان او را مسئول خسارت وارده دانست. البته اگر خسارتی ایجاد شود که دولت عضو مسئول آن نباشد، ناگزیر با یک خلأ قانونی مواجهیم که این خسارت چگونه باید جبران شود. شعبه برای حل این معضل پیشنهاد تشکیل صندوق جبران خسارات را برای پرداخت خسارات بدون مقصر داده است که این رویکرد خود موجب توسعه رژیم جبران خسارت برای فعالیت در منطقه است.

شعبه در زمینه مسئولیت پیمانکار و دولت حامی خاطر نشان می‌کند که مسئولیت این دو از نوع تضامنی یا فردی نیست، چراکه عمل غیرقانونی در نتیجه انجام عملیات پیمانکار است و جبران آن نیز بر عهده خود او و نه دولت حامی وی است. اگر پیمانکار خسارت را بپردازد، دیگر جایی برای جبران خسارت دولت حامی وجود ندارد. از این رو پیمانکار در مرحله اول مسئول پرداخت خسارت است و اگر پیمانکار نتواند کل خسارت را بپردازد، دولت حامی تنها در صورتی مسئولیت پرداخت دارد که از تعهدات مقرر در کنوانسیون قصور کرده باشد. این رویکرد قضات شعبه اگرچه برخلاف

آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی است، بدین معناست که اگر دولت عضو تعهدات خود را در قبال شرکت پیمانکاری انجام داده باشد، کسری جبران خسارت تا زمان ایجاد صندوق جبران خسارات بدون پاسخ است و پس از ایجاد صندوق جبران خسارات بر عهده دولت‌هایی است که مکلف به تأمین هزینه‌های آن‌اند و دولت حامی در این زمینه مسئولیتی ندارد.

منابع

۱. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین؛ محمدی، مهرداد؛ حسینی، محمد (۱۳۹۶). «تأملی بر وضعیت حقوق دولت‌ها در استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت با تأکید بر قضیه صید نهنگ (استرالیا علیه ژاپن)»، *فصلنامه مطالعات حقوقی*، دوره ۹، ش ۲، ص ۱۷۵-۱۴۷.
۲. شاه‌حسینی، عطیه؛ مشهدی، علی (۱۳۹۶). «جبران خسارات زیست‌محیطی براساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌المللی مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۱۹، ش ۵۵، ص ۱۴۱-۱۶۵.
۳. شیروی، عبدالحسین؛ شعبانی جهرمی، فریده (۱۳۹۷). «رژیم بین‌المللی مسئولیت ناشی از آلودگی فعالیت‌های حفاری فراساحلی»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۸، ش ۲، ص ۳۵۷-۳۷۷.
۴. صالحی، جواد (۱۳۹۵). «نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی حقوق دریاها؛ تجلی تعهدات دولت صاحب پرچم راجع به صید غیرمجاز کشتی حامل پرچم وی در منطقه انحصاری اقتصادی دولت ثالث»، *مجله اقیانوس‌شناسی*، ش ۲۸، ص ۱۲-۱.
۵. کدخدایی، عباسعلی؛ سالاری، اسما (۱۳۹۷). «احتیاط در حقوق بین‌الملل: اصل عرفی یا اصل کلی حقوق؟»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۲۰، ش ۵۹، ص ۶۳-۳۳.
۶. عرب‌اسدی، شیما؛ رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۷). «نگرانی‌های مشترک بشری: از پدیداری تا تکامل در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۸، ش ۲، ص ۴۱۸-۳۹۹.
۷. محبی، محسن؛ بذار، وحید (۱۳۹۷). «مفهوم استناد به مسئولیت بین‌المللی با تأکید بر طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۰۱)»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۸، ش ۲، ص ۲۲۲-۲۰۱.

A) Books

8. Birnie, Patricia, Alan Boyle, and Catherine Redgwell (2009). *International Law and The Environment*, 3 ed., Oxford University Press.
9. Lowe, A.V., Talmon, Stefan (2009). *The Legal Order of the Oceans: Basic*

Documents on the Law of the Sea, Hart Publishing.

10. Okowa, Phoebe (2012). *State Responsibility for Transboundary Air Pollution in International Law*, Oxford Scholarship Online.
11. Orakhelashvili, Alexander (2009). *Peremptory Norms in International Law*, Oxford Scholarship Online.

B) Articles

12. Boyle, Alan (2007). The Environmental Jurisprudence of the International Tribunal for the Law of the Sea , *International Journal of Marine & Coastal Law*, Vol. 22, pp. 355-372.
13. Fayette, L. de La (2000). ITLOS and the Saga of the Saiga: Peaceful Settlement of a Law of the Sea Dispute , *International Journal of Marine & Coastal Law*, Vol. 15, pp. 345-360.
14. Jaeckel, Aline; Kristina M. Gjerde and Jeff A. Ardron (2017). Common Heritage of Humankind-Options for the High Seas , *Marine Policy*, Vol. 78, pp. 150-157.
15. Ndiaye M. Tafsir (2010). The Advisory Function of the International Tribunal for the Law of the Sea , *Chinese Journal of International Law*, Vol. 9(3), pp. 565-587.
16. Plakokefalos, Ilias (2012). Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities with Respect to Activities in the Area , *Journal of Environmental Law*, Vol. 24(1), pp. 133-143.

C) Cases

17. International Court of Justice (1949). U.S. v. Canada, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Trail Smelter Case.
18. International Court of Justice (1969). Germany v. Denmark and Germany v. Netherlands, North Sea Continental Shelf Cases.
19. International Court of Justice (1996). Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion.
20. International Court of Justice (2010). Argentina v. Uruguay, Case Concerning Pulp Mills on the River Uruguay.
21. International Seabed Authority (2010). Decision of the Council of the International Seabed Authority requesting an advisory opinion pursuant to Article 191 of the United Nations Convention on the Law of the Sea.
22. International Tribunal for the Law of the Sea (2001). Ireland v. United Kingdom, MOX Plant Case.
23. Seabed Disputes Chamber of International Tribunal for the Law of the Sea (2011). Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities with respect to Activities in the Area. Advisory Opinion.

D) Documents

24. Institute of International Law (1979). Pollution of Rivers and Lakes and International Law, Athens.
25. Institute of International Law (1997). Responsibility and Liability under International Law for Environmental Damage, Strasbourg.
26. International Atomic Energy Agency (1997). Convention on Supplementary Compensation for Nuclear Damage.
27. International Law Commission (2001). Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts.
28. International Law Commission (2006). Draft Principles on the Allocation of Loss in the Case of Transboundary Harm Arising out of Hazardous Activities.
29. International Maritime Organization (2000). Resolution LEG1 on Limitation Amounts in the Protocol of 1992 to Amend the International Convention on Civil Liability for oil pollution damage.
30. United Nations (1972). Declaration of the UN Conference on the Human Environment, Stockholm.
31. United Nations (1991). Convention on Environmental Impact Assessment in Transboundary Context.
32. United Nations (2000). Regulations on Prospecting and Exploration for Polymetallic Nodules in the Area.
33. United Nations (2010). Regulations on Prospecting and Exploration for Polymetallic Sulphides in the Area.